



مدرسان شریف

فصل اول

«اسم و انواع آن – پیش اسم» (ویژه دانشگاه آزاد)

اسم و انواع آن

اسم: واژه‌ای است که برای نامیدن شیء، شخص، حیوان، مکان و زمان به کار می‌رود.

انواع اسم

- * مرکب: اسمی که از دو یا چند کلمه ساخته می‌شود.
class room - police man
- * جمع: اسمی که جهت نامیدن گروه، دسته‌ای از افراد و اشیاء بکار رود. اسامی جمع در ظاهر نشانهٔ جمع بودن ندارند ولی مفهوم جمع دارند و با فعل جمع بکار می‌روند.
police - people - family
- * جنس: اسمی که جهت نامگذاری و مشخص نمودن نوع جنس و ماده بکار رود.
gold - silk - iron
- * خاص: اسمی که به شخص، شیء و مکان مخصوص دلالت نماید.
Tehran - England - Reza
- * معنی: اسمی که وجود خارجی نداشته و قابل لمس نباشد و حالت مفهومی و تصویری داشته باشد.
honesty - happiness
- * ذات: اسمی که قابل دیدن، لمس کردن، بوئیدن و غیره باشد.
class - pen
- * عام: اسمی که به تمام افراد و چیزهای هم‌نوع دلالت نماید.
car - country - tree
- * اسم در زبان انگلیسی بر دو گونه است. اسم‌های قابل شمارش و اسم‌های غیرقابل شمارش:
چنانچه اسم قابل شمارش باشد می‌تواند مفرد یا جمع باشد، به عبارت دیگر اسم‌های قابل شمارش جمع بسته می‌شوند:

در حالیکه اسامی غیرقابل شمارش جمع بسته نمی‌شوند:

book → books	pen → pens
water	weather

اسامی بی‌قاعده و باقاعده

اسم در زبان انگلیسی به روش‌های متفاوت به جمع تبدیل می‌شود، اسمی که جمع بستن آن از قاعده خاصی پیروی کند را اسم باقاعده و اسمی که جمع بستن آن از قاعده خاصی پیروی نکند را اسم بی‌قاعده گویند.

۱- اکثر اسامی با اضافه کردن حرف «s» به آخر آنها به جمع تبدیل می‌شوند.

۲- اسامی که به «s»، «ss»، «ch»، «sh»، «x»، «z» و «o» ختم می‌شوند هنگام جمع بستن «es» به آخر آنها اضافه می‌شود.

church → churches	box → boxes
-------------------	-------------

نکته ۱: برخی از اسامی که به «o» ختم می‌شوند از روش فوق پیروی نمی‌کنند و جهت جمع بستن آنها فقط حرف «s» به آخر آنها اضافه می‌شود.

pianos , radios

۳- اسامی که به «y» ختم می‌شوند، چنانچه قبل از حرف «y» حرف بی‌صدا قرار داشته باشد جهت جمع بستن آن اسم ابتدا حرف «y» را به «i» تبدیل کرده و سپس حروف «es» را به آخر آن اسم اضافه می‌نماییم و در صورتیکه قبل از حرف «y» حرف صدادار وجود داشته باشد جهت جمع بستن آن اسم کافی است فقط حرف «s» را به آخر آن اسم اضافه نماییم.

boy → boys	baby → babies
------------	---------------

۴- اسامی که به «f» و «fe» ختم می‌شوند، جهت جمع بستن آنها ابتدا «f» و «fe» را به حرف «v» تبدیل کرده و سپس حروف «es» را به آخر آن اضافه می‌نماییم.

shelf → shelves	wife → wives
-----------------	--------------

نکته ۲: برخی از اسامی که به حرف «f» ختم می‌شوند ولی از روش فوق پیروی نمی‌کنند و جهت جمع بستن آنها فقط حرف «s» به آخر آنها اضافه می‌شود عبارتند از:

chief , proof , gulf , roof , cliff

۵- برخی از اسامی شکل مفرد و جمع متفاوتی دارند و از روش خاصی پیروی نمی‌کنند.

man → men	child → children
woman → women	mouse → mice
tooth → teeth	ox → oxen



۶- برخی اسامی در حالت مفرد و جمع یکسان نوشته می‌شوند.

sheep → sheep deer → deer salmon → salmon

۷- برخی از اسامی فاقد شکل مفرد بوده و همواره بصورت جمع بکار برده می‌شوند.

people - glasses - clothes - pants - police - trousers

۸- واژه news اسم غیرقابل شمارش بوده و هنگامی که به جای فاعل جمله قرار گیرد با فعل مفرد همراه می‌شود ولی چنانچه در نقش فاعل قرار نداشته باشد با فعل جمع همراه است.

The news is good these days.

There are a lot of good news in the newspaper.

حالت مالکیت اسم

۱- حالت ملکی: مالکیت انسان نسبت به انسان دیگر یا شیئی است که به وسیله «'s» بیان می‌شود و بیانگر موارد زیر است:

Ali's book

Ali's father

الف - مالکیت بین انسان و اشیاء

ب - مالکیت بین انسان و انسان

ج - مالکیت موجود زنده

boy's pen

* با افزودن «'s» به آخر اسامی مفرد

“It is his coat.” Would you return it to him please?

کج مثال ۱:

1) friend

2) friends'

3) friend's

4) friend of

✓ پاسخ: گزینه «۳» زیرا در بیان مالکیت انسان نسبت به انسان دیگر و یا شیء از «'s» استفاده می‌شود.

Hassan and Reza's father

* با افزودن «'s» به اسامی آخرین اسم که دارای چند مالک باشد.

I do shopping at shop.

کج مثال ۲:

1) Reza's and Hassan's

2) Rezas' and Hassans'

3) Reza and Hassan's

4) Reza and Hassan

✓ پاسخ: گزینه «۳» زیرا در بیان مالکیت انسان نسبت به شیء از «'s» استفاده می‌شود، همچنین چنانچه اسم دارای چند مالک باشد «'s» به اسم آخر اضافه می‌شود.

players' trainer

* با افزودن «'» به اسامی جمع که به S ختم می‌شوند.

men's book

* با افزودن «'s» به اسامی جمع که به S ختم نمی‌شوند.

doctor's

baker's

* با افزودن «'s» به اسامی صاحبان حرفه‌ها، شرکتها و کارخانه‌ها.

۲- حالت اضافی: مالکیت بین یک اسم با اسم دیگر می‌باشد که به وسیله «of» بیان می‌شود و بیانگر مالکیت بین دو شیء است.

The leg of the table

* «اسم + of + the + اسم»

اسم بجای صفت

گاهی اوقات یک اسم همانند صفت قبل از اسم واقع می‌شود و باعث محدود شدن آن اسم و یا دادن اطلاعات بیشتر در مورد آن اسم می‌شود.

a wrist → a watch ⇒ a wrist watch

Where would you like to leave the bread? “Just put it on the

کج مثال ۳:

1) table of kitchen

2) kitchen's table

3) kitchen table

4) table in kitchen

✓ پاسخ: گزینه «۳» زیرا گاهی اوقات اسم همانند صفت قبل از اسم دیگر واقع می‌شود و باعث محدود شدن آن اسم و یا دادن اطلاعات بیشتر در مورد آن اسم می‌شود.

* اسم‌هایی که نقش صفت را برای اسم مابعد ایفا می‌کنند جمع بسته نمی‌شوند، در صورتیکه اسم اصلی می‌تواند بصورت جمع بیان شود.

several bus drivers.

a two – bed room flat.

I will make a reservation for in Tabriz.

کج مثال ۴:

1) a five – week tour

2) a five – weeks tour

3) five weeks of tour

4) a tour of five weeks

✓ پاسخ: گزینه «۱» زیرا اسم‌هایی که نقش صفت را برای اسم مابعد ایفا می‌کنند جمع بسته نمی‌شوند در این تست week اسم مابعد محسوب می‌شود و به صورت جمع بیان نمی‌شود.

a one hundred – page book

* اسمی که نقش صفت را ایفا می‌کند می‌تواند به صورت یک عبارت اسمی قبل از اسم اصلی واقع شود.

پیش اسم

معمولاً اسم به تنهایی در جمله به کار برده نمی‌شود، بلکه کلمات یا عباراتی قبل از اسم در جمله به کار می‌رود. پیش اسم کلمه‌ای است که قبل از اسم واقع می‌شود و آن اسم را توصیف می‌کند.

باتوجه به این توضیحات مختصر می‌توان گفت پیش اسم‌ها دارای انواع متفاوتی هستند، در واقع می‌توانیم پیش اسم‌ها را به شش گروه تقسیم نماییم:
گروه اول: صرفاً با اسم‌های قابل شمارش مفرد با فعل مفرد به کار می‌روند و عبارتند از:

a , an , each , every , one , either , neither , another

a , an به معنی یک، ی (یای نکره یا وحدت) هر - در است و قبل از اسم قابل شمارش مفرد نکره می‌آیند.

نکته ۳: اگر اسم با مصوت (a - e - i - o - u , h در صورتی که h غیر ملفوظ باشد) شروع شود از an استفاده می‌شود:			
an hour	یک ساعت	an eye	یک چشم
an honest man	مرد درستکار	an item	یک مورد
an apple	یک سیب	a child	یک بچه
a university	یک دانشگاه	a journalist	یک روزنامه‌نگار
eight hours a day	روز هشت ساعت	a crime	یک جنایتی

اما اگر اسم با حروف بی صدا و نیز با حرف u (اگر /ju/ تلفظ شود) آغاز شود از a استفاده می‌شود:

one: به معنی یک، یک عدد، - ی (یای نکره یا وحدت) - یکی است و قبل از اسم قابل شمارش مفرد می‌آید.

one morning	یک روز صبح	one brother	یک برادر
one night	یک شب	one car	یک ماشین

an , a ممکن است قبل از اسامی غیرقابل شمارش جهت بیان بخشی از آن‌ها بکار روند:

a loaf of bread	یک قرص نان	a cup of tea	یک فنجان چای
-----------------	------------	--------------	--------------

نکته ۴:

each: به معنی هر - هریک است و درباره فرد فرد یک گروه صحبت می‌کند.
Each child has a notebook.
هر بچه‌ای یک دفترچه یادداشت دارد.

نکته ۵: ضمیری که به دنبال each می‌آید می‌تواند مفرد یا جمع باشد.
Each student wrote what he / she liked best.
هر دانش‌آموزی آنچه را بیشتر از هر چیزی دوست داشت نوشت.
Each student wrote what they liked best.
هر دانش‌آموزی آنچه را بیشتر از هر چیزی دوست داشتند را نوشتند.
* each می‌تواند به دنبال فاعل جمع بیاید و در این صورت فعل جمع خواهد بود.
هر یک از ما نقطه نظر متفاوتی داریم.
* ترکیبات each of و each one of با فعل مفرد بکار می‌روند.
هر یک از خانه‌ها اندکی با هم فرق می‌کنند.

Every: به معنی هر - هریک بیانگر کلیت اسم است.
Every town has a post office.
هر شهری یک پستخانه دارد.
Not every village has a hospital.
هر روستایی بیمارستان ندارد.

either: به معنی یا - هریک (از دو) - هم است و گاه با حرف ربط or می‌آید.
He is either Spanish or Italian.
او اسپانیایی است یا ایتالیایی.
Would you like tea or soft drink?
چای می‌خواهی یا نوشابه؟
Either, I feel thirsty.
هر یک (هر کدام)، من احساس تشنگی می‌کنم.
Either candidate is suitable for the job.
هر یک از دو داوطلب برای کار مناسب هستند.

neither: به معنی هیچ کدام، هیچ یک (از دو)، نه است و گاه با حرف ربط nor می‌آید و به جمله مفهوم منفی می‌دهند (به هیچ عنوان با فعل منفی بکار نمی‌روند).
Neither the television nor the video work / works properly.
نه تلویزیون و نه ویدئو درست کار نمی‌کنند.
Neither candidate is suitable for the job.
هیچ یک از دو داوطلب برای کار مناسب نیستند.
Neither child goes to school.
هیچ یک از دو بچه به مدرسه نمی‌روند.

نکته ۶: به دنبال ترکیبات either of , neither of اسم به صورت جمع و فعل به صورت مفرد و در گفتار روزمره فعل بصورت جمع می‌آید.
Neither of my friends has / have a car.
هیچ یک از دوستانم ماشین ندارند.
Does / Do either of you like strawberries?
آیا هر یک از شما توت‌فرنگی دوست دارید؟

another: به معنی دیگری، یکی دیگر، یک کسی یا چیز دیگر است و قبل از اسم قابل شمارش مفرد می‌آید.
one another
از هر نوع - از هر رقم
Would you like another cup of tea?
آیا یک فنجان دیگر چای می‌خواهی؟
Give me another book. I don't like this one at all.
یک کتاب دیگر به من بدهید، ابدأ این یکی خوشم نمی‌آید.



نکته ۷: other به معنی دیگر، دیگری، طوری دیگر با اسامی جمع می آید.

This is not my only car. I have other cars.

این تنها ماشین من نیست، من ماشین‌های دیگری هم دارم.

گروه دوم: صرفاً با اسم‌های قابل شمارش جمع با فعل جمع به کار می‌روند و عبارتند از:

these , those , both , several , many , few , a few , two , three , ...

these: به معنی اینها برای اشاره به نزدیک کاربرد دارد و صورت جمع **this** است.

These days

These books این روزها - در زمان حاضر

این کتابها

those: به معنی آنها برای اشاره به دور کاربرد دارد و صورت جمع **that** است.

Those men

Those cars آن مردها

آن ماشینها

both: به معنی هر دو، هر دوتا، هم می‌تواند با حرف ربط **and** بکار رود و به صورت زیر کاربرد دارد.

اسم جمع + both
اسم یا ضمیر جمع + both + of
اسم / صفت + and + اسم / صفت + both

Both children go to school.

هر دو دانش‌آموز به مدرسه می‌روند.

I am both tired and hungry.

هم خسته هستم و هم گرسنه

several: به معنی چند، چندین، چندتا، چند نفر است.

There are several cars in the street.

چندین ماشین در خیابان هستند.

I have seen him several times.

چند بار او را دیده‌ام.

many: به معنی زیاد، بسیار، متعدد، بسیاری، عده زیادی، معمولاً در جملات سوالی و یا منفی کاربرد دارد.

Are there many students in the class?

آیا تعداد زیادی دانش‌آموز در کلاس وجود دارد؟

There are not many children in the Park.

بچه‌های زیادی در پارک نیستند.

Not many chairs were in the classroom.

در کلاس، صندلی زیادی نبود.

نکته ۸: many می‌تواند همراه با پیش اسم **a** با اسم مفرد نیز به کار رود.

Many a student will be pleased if their teacher is absent.

بسیاری از دانش‌آموزان خوشحال خواهند شد اگر معلمشان غایب باشد.

few: به معنی معدود، معدودی، تعداد کمی، کم، کمی، خیلی کم است و به جمله مفهوم منفی می‌دهد و با فعل منفی کاربرد ندارد.

I have few friends in this street.

من تعداد کمی دوست در این خیابان دارم.

There are few taxis in the street, so I can hardly go home.

تعداد بسیار کمی تاکسی در خیابان وجود دارد، بنابراین من به سختی می‌توانم با تاکسی به خانه بروم.

a few: به معنی چند، چندتا، چندتایی، تعدادی است و به جمله مفهوم مثبت می‌دهد.

There are a few taxis in the street, so I can go home easily.

تعدادی تاکسی در خیابان هست، بنابراین می‌توانم به راحتی به خانه بروم.

I have a few friends in this street.

من تعدادی دوست در این خیابان دارم.

نکته ۹: the few به معنی اقلیت است و متضاد آن the many به معنی اکثریت است.

*** a few , few** هر دو با اسامی قابل شمارش جمع می‌آیند. اگر از یک اسم به تعداد کافی وجود نداشته باشد از **few** و اگر از آن اسم به تعداد کافی وجود داشته باشد از **a few** قبل از اسم استفاده می‌شود. در حقیقت **a few** از نظر تعداد بیشتر از **few** می‌باشد.

How many books do you have?

چند تا کتاب داری؟

I have few books. من تعداد کمی کتاب دارم.

little , a little , much , a great deal of

گروه سوم: صرفاً با اسم‌های غیر قابل شمارش با فعل مفرد به کار می‌روند و عبارتند از:

little: به معنی کم، مقدار کم، مختصر است و به جمله مفهوم منفی می‌دهد. (با فعل منفی کاربرد ندارد)

I have little money, I can't buy anything.

پول کمی دارم، نمی‌توانم چیزی بخرم.

There is little water in the glass.

آب کمی در لیوان وجود دارد.

نکته ۱۰: اگر **little** به معنی کوچک، کوچولو باشد با اسم قابل شمارش بکار می‌رود.

Show me your little finger.

انگشت کوچکت را به من نشان بده.

Look at that little boy.

به آن پسر کوچولو نگاه کن.

a little bit , a little: به معنی کمی، یک کم، مقدار کمی است و به جمله مفهوم مثبت می‌دهد.

I have a little money, so I can buy something.

مقدار کمی پول دارم، بنابراین می‌توانم چیزی بخرم.

There is a little bread in the breadbox.

مقدار کمی نان در ظرف نان است.



مدرسان شریف

فصل ششم

«ضمایر»

(ویژه دانشگاه سراسری - آزاد)

ضمیر: واژه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا از تکرار آن جلوگیری نماید.

انواع ضمایر:

ضمایر فاعلی	ضمایر مفعولی	صفات ملکی	ضمایر ملکی
I	me	my	mine
you	you	your	yours
she	her	her	hers
he	him	his	his
it	it	its	its
we	us	our	ours
you	you	your	yours
they	them	their	theirs

* ضمایر فاعلی کلماتی هستند که به جای فاعل در جمله قرار می‌گیرند تا از تکرار آن جلوگیری شود.

Ali is a student. He is my friend.

* ضمایر مفعولی کلماتی هستند که به جای مفعول در جمله قرار می‌گیرند تا از تکرار آن جلوگیری شود.

When did you see Ali? I saw him yesterday.

* تذکره: ۱- ضمایر مفعولی بعد از حروف اضافه از قبیل from ، with ، for ، by ، to ، above و ... به کار می‌روند. در جملاتی که حرف اضافه وجود نداشته باشد معمولاً این ضمایر بعد از فعل متعدی جمله واقع می‌شوند.

Reza always studies with me.

I never ask him easy questions.

I often see on the bus.

کج مثال ۱:

1) them

2) they

3) their

4) themselves

پاسخ: گزینه «۱» زیرا see فعل متعدی بوده و با مفعول می‌آید.

۲- در انگلیسی رسمی بعد از مشتقات فعل to be ضمیر فاعلی و بعد از خود مصدر to be ضمیر مفعولی به کار می‌رود.

It was I who did it.

The winner ought to be him.

Every body was absent except him.

۳- بعد از except, but-among – between ضمیر مفعولی می‌آید.

۴- بعد از as و than ضمیر مفعولی و یا ضمیر فاعلی با فعل (کمکی) به کار می‌رود.

* مقایسه صفات ملکی با ضمایر ملکی:

صفات ملکی کلماتی هستند که قبل از اسم می‌آیند و آن اسم را به فردی نسبت می‌دهند ولی ضمایر ملکی کلماتی هستند که به جای ترکیب (اسم + صفت ملکی) می‌آیند و بدون اینکه با اسم همراه باشند آن اسم را به شخص نسبت می‌دهند.

This is my book. This is mine.

The car is yours, it is not

کج مثال ۲:

1) her

2) his

3) your

4) my

پاسخ: گزینه «۲» زیرا ضمیر ملکی کلمه‌ای است که بجای ترکیب (اسم + صفت ملکی) می‌آید و بدون اینکه با اسم همراه باشد آن اسم را به شخص نسبت می‌دهد.

نکته ۱: اگر «his» و «its» با اسم همراه باشند صفت ملکی واگر به تنهایی بکار برده شوند ضمیر ملکی محسوب می‌شوند.

نکته ۲: بعضی مواقع ضمیر ملکی جمله باید با فاعل جمله هماهنگ باشد و در برخی موارد هماهنگی فاعل و ضمیر ملکی ضرورت ندارد:

Mary bought a book yesterday. It is hers.

I saw a lot of cars in the street.

They are not yours.



* طبق الگوی روبرو از ضمیر ملکی استفاده می‌کنیم.

ضمیر ملکی + of + اسم + (صفت) + پیش‌اسم

He is a close friend of mine.
Micheal had an agreement with a neighbor of his.
We went on a trip with some friends of ours.

کاربرد ضمائر خودی (تأکیدی و انعکاسی)

myself – yourself – himself – herself – itself – ourselves – yourselves – themselves

الف - حالت تأکیدی:

۱- برای تأکید بر روی فاعل مستقیماً بعد از فاعل یا در آخر جمله می‌آیند و همخوان با فاعل می‌باشند.
I myself make lunch.
I make lunch myself.
Who repaired your bicycle for you? Nobody. I repaired it myself.
Let's paint the house ourselves. It will be much cheaper.
Sue herself doesn't think she'll get it.
۲- برای تأکید بر روی مفعول مستقیماً بعد از مفعول می‌آیند و همخوان با مفعول می‌باشند.
I saw Ali himself yesterday.
I bought you yourself this present.
I like Mary herself very much.

نکته ۳: اگر این ضمائر با حرف اضافه by به کار برده شوند معنی به تنهایی، خودبخود را می‌دهند و معادل alone و می‌باشد.

I have tea by myself.
He goes to school by himself / alone.
Was she with friends? No, she was by herself.
Jack was sitting by himself in a corner of the cafe.

نکته ۴: عبارت OWN + صفت ملکی + ON یعنی «به طور مستقل، مستقلانه»

I live by my self. ⇒ I live alone.
He lives on his own with a roommate. ⇒ He lives independently, but not alone.

ب - حالت انعکاسی: وقتی فاعل و مفعول جمله هر دو یک شخص و یا یک چیز باشد و بازتاب کار انجام شده به فاعل برگردد به جای ضمیر مفعولی ضمیر انعکاسی به کار می‌رود.

I saw myself in the mirror.
I looked at myself in the mirror.
He cut himself with a knife.
She fell off her bike, but she didn't hurt herself. Please help yourselves.

I like the house but I dislike the neighborhood.

مثال ۳:

- 1) myself 2) by myself 3) itself 4) by itself

پاسخ: گزینه «۳» زیرا در ضمائر تأکیدی چنانچه تأکید بر روی مفعول باشد ضمیر تأکیدی بعد از مفعول می‌آید و با توجه به اینکه مفعول عبارت the house می‌باشد لذا از شکل itself استفاده می‌شود.

With this extra money, I bought a present.

مثال ۴:

- 1) me 2) myself 3) yourself 4) yours

پاسخ: گزینه «۲» زیرا چنانچه فاعل و مفعول عبارت هر دو به یک نفر دلالت نماید از ضمیر انعکاسی استفاده می‌شود.

نکته ۵: بعد از افعال meet ، relax ، feel و concentrate از ضمیر انعکاسی استفاده نمی‌شود.

You have to try and concentrate.
Do you feel nervous? Yes, I can't relax.

نکته ۶: بعد از بعضی افعال مانند absent – enjoy – cut – hurt – burn بعد از ضمیر انعکاسی به کار می‌رود.

They enjoyed themselves at the party.
I cut myself while shaving.

نکته ۷: بعد از حروف اضافه among , between , around , beside , with , on بجای ضمیر انعکاسی از ضمیر مفعولی استفاده می‌کنیم.

Have you got any money on you? Do you have your book with you?

نکته ۸: در جملات امری مستقیم که مخاطب YOU (مفرد و جمع) است، می‌بایست از ضمیر انعکاسی مفرد yourself و جمع yourselves استفاده شود.

Take care of yourself / yourselves while playing.

Don't burn yourself.

نکته ۹: ضمیر انعکاسی برای one واژه oneself می‌باشد.

One should do one's homework oneself.

ضمایر اشاره

الف : معین: این ضمایر جانشین اسامی انسان و غیر انسان می‌شوند و برای اشاره به دور و نزدیک بکار می‌روند و عبارتند از :

one (آن یکی), ones (آن یکی‌ها), this (این), that (آن), these (اینها), those (آنها), the former (پیشین - اولی), the latter (دومی - آخری)

This is a nice hotel, but it's very expensive.

Excuse me, is this your bag? Oh yes, thank you.

Hello, this is Dave. (= the speaker)

Is this Sarah? (= the other person)

Mark has a new job. I didn't know that.

Who is that? (= who is that person)

Which shoes do you like better – these or those?

A: Is there a bank near here?

B: Yes, there is one on the corner.

I don't like the black coat, but I like the red one.

I found these keys. Are they the ones you lost?

These cups are dirty. Can we have some clean ones?

Mary has two sons, Ali and Reza. The former (Ali) is clever, but the latter (Reza) is stupid.

ب : نامعین:

۱- all (همه - تمام) بجای اسامی قابل شمارش جمع و غیرقابل شمارش بکار می‌رود.

۲- another (دیگری): بجای اسامی قابل شمارش مفرد می‌آید.

۳- any (هیچ) به جای اسامی غیرقابل شمارش و قابل شمارش جمع و مشتقات آن (anyone, anybody, anything, anywhere): در جملات سئوالی و منفی بکار می‌رود.

۴- both (هر دو - همه): به جای دو اسم و یا اسامی جمع می‌آید.

۵- each (هر - هر یک): به تک تک افراد و اشیاء اشاره دارد.

۶- either (هر یک از دو): بجای اسم جمع و انتخاب یکی از دو تا بکار می‌رود.

۷- every (هر) با فعل مفرد به کار می‌روند و مشتقات آن (everyone, everybody, everything, everywhere) مفرد می‌باشد.

۸- neither (هیچ یک از دو): بجای اسامی جمع و انتخاب نکردن هیچ یک از دو تا به کار می‌رود و فقط با فعل مثبت به کار رفته ولی به جمله مفهوم منفی می‌دهد.

۹- no (هیچ) بجای اسامی قابل شمارش جمع و غیرقابل شمارش بکار می‌رود و مشتقات آن (no one, nobody, nothing, nowhere): در جمله

با فعل مثبت به کار رفته و مفهوم منفی به جمله می‌دهند و با قید not به کار نمی‌روند.

۱۰- none (هیچی - هیچکدام): به جای اسامی نامعین بکار می‌رود.

۱۱- other (دیگری) و جمع آن others (دیگران): اگر همراه با پیش اسم the واقع شود ضمیر معین محسوب می‌شود.

۱۲- some (تعدادی - مقداری) بجای اسامی غیرقابل شمارش و همچنین اسامی قابل شمارش و مشتقات آن (someone, somebody, something, somewhere): در جملات مثبت و خبری و سئوالی تعارفی بکار می‌رود.

I didn't take any pictures, but Amy took some.

Where is your luggage? I don't have any.

Where's Amy? Has anybody seen her?

She said something.

How much money do you have? None.

Nobody came to visit me while I was in the hospital.

Everybody has arrived.

I lost my watch. I've looked everywhere for it.

All I have eaten today is a sandwich.

Rosmary has two children. Both are married.

A: Do you want to go to the movies or the theater?

Is your friend British or American? Neither. She's Australian.

Do you want tea or coffee? Either. I don't care.

Don't buy those apples. Buy the others.

I just made some coffee. Would you like some?

You can have some coffee, but I don't have any.

I didn't say anything.

How many cars are there in the parking lot? None.

Where are you going? Nowhere. I'm staying here.

Have you got everything you need?

All (of) the children in our class passed the exam.

Would you like tea or coffee? You can have either.

B: Neither. I want to stay home.

That cookie was good. I am going to have another.

نکاتی در ارتباط با ضمایر موصولی:

یکی از عباراتی که با اسم در جمله به کار برده می‌شود جمله‌واره توصیفی (adjective clause) است. همانگونه که از نام آن برمی‌آید جمله‌واره توصیفی نقش وصفی دارد و به توصیف اسم می‌پردازد.

جمله‌واره‌های توصیفی معمولاً بعد از اسم واقع می‌شوند، معمولاً یکی از ضمایر موصولی who و whom و which و that و whose در ابتدای یک جمله‌واره توصیفی آورده می‌شود و دارای ۲ حالت فاعلی و مفعولی است.

الف - حالت فاعلی:

فعل + who + انسان (فاعل)

He is the man. He goes to university.

⇒ He is the man who goes (going) to university.

The woman who lives (living) next door is a doctor.

I met a man who knows (knowing) you.



Few people think too much of themselves are admired by the others.

کله مثال ۵ :

- 1) that they 2) whom 3) whose 4) who

پاسخ: گزینه «۴» زیرا در جمله واژه‌های توصیفی چنانچه فاعل انسان باشد و بعد از نقطه‌چین فعل بیاید از ضمیر موصولی who استفاده می‌شود. (حالت فاعلی)

ب - حالت مفعولی:

فعل + فاعل + whom + انسان (مفعول)

The boy has blue eyes. I invited him. ⇒ The boy whom I invited has blue eyes.

The woman whom I wanted to see was away on vacation.

The woman with whom he fell in love left him after a few weeks.

The boy with I studied my lesson is nineteen now.

کله مثال ۶ :

- 1) that 2) who 3) whom 4) whose

پاسخ: گزینه «۳» زیرا در جمله‌واره‌های توصیفی چنانچه مفعول انسان باشد و بعد از نقطه‌چین فاعل بیاید از ضمیر موصولی whom استفاده می‌شود. (حالت مفعولی)، ضمناً that با حرف اضافه کاربرد ندارد.

نکته ۱۰: چنانچه قبل از نقطه‌چین حرف اضافه وجود داشته باشد نمی‌توان از ضمیر that استفاده کرد مگر اینکه حرف اضافه را به بعد از فعل ببریم.

The boy whom / that I studied my lesson with is 19 now.

The book which is on the desk is mine.

فاعل یا فعل + which + غیر انسان

Are these the keys which you are looking for? I bought an item which cost me a lot.

The sight of my face which is reflected in the mirror never pleases me.

فاعل یا فعل + that + انسان یا غیرانسان

The book that I am reading is interesting.

The bag that he is carrying is very heavy.

The man that works here is very nice.

اسم + whose + اسم

The man works in our office. You borrowed his car.

whose: به جای صفت ملکی به کار برده می‌شود.

⇒ The man whose car you borrowed works in our office.

The girl whose bag was lost is my sister.

A widow is a woman whose husband is dead.

There was a boy at the party name I didn't know.

کله مثال ۷ :

- 1) which 2) who 3) whom 4) whose

پاسخ: گزینه «۴» زیرا ضمیر موصولی whose یک ملک را به یک مالک ربط می‌دهد.

۲- در موارد زیر می‌توان ضمائر موصولی را حذف کرد: (ویژه دانشگاه سراسری)

الف: وقتی ضمیر موصولی مفعولی است، به عبارت دیگر اگر بعد از ضمیر موصولی فاعل و فعل وجود داشت موصول مفعولی است و می‌توان آنرا حذف کرد.

A : I don't like the house which he lives in.

یا : I don't like the house he lives in.

B : The man whom you like is my father.

یا : The man you like is my father

در جمله «A» و «B» موصول را می‌توان حذف کرد چون مفعولی است.

ب: وقتی ضمیر موصولی فاعلی است اگر بعد از ضمائر موصولی فعل به صورت استمراری و یا مجهول به کار رود و یا مشتقات فعل to be در عبارت وجود داشته باشد می‌توان ضمائر موصولی را همراه فعل to be حذف کرد.

B : I don't like the house which is on the hill.

یا : I don't like the house on the hill.

D : The person who is crossing the street is my brother.

یا : The person crossing the street is my brother.

نکته ۱۱: در حالت مفعولی از آنجا که به مفعول اشاره شده است لذا در جمله موصولی به هیچ عنوان از ضمیر مفعولی آن مفعول استفاده نمی‌شود.

She is the girl whom I met her yesterday. (غلط)

It is the book which I was looking for it. (غلط)

در موارد زیر ضمائر موصولی حذف نمی‌شوند:

Swimming, which is a good sport, makes people strong.

الف: بعد از کما ضمیر موصولی حذف نمی‌شود.

ب: بعد از حرف اضافه نمی توان ضمیر موصولی را حذف کرد، مگر اینکه حرف اضافه را به آخر جمله ببریم.

E: The man with whom I was travelling knew English.

یا The man I was travelling with knew English.

He is the man about I told you.

📌 مثال ۸:

1) who

2) whom

3) whose

4) that

☑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا در جمله‌واره‌های توصیفی چنانچه مفعول انسان باشد و بعد از جای خالی فاعل (انسان) بیاید از ضمیر موصولی whom استفاده می‌شود (حالت مفعولی). ضمناً بعد از حرف اضافه نمی‌توان از that استفاده کرد.

* تذکر ۲: در موارد زیر that به بقیه موصولها ارجحیت دارد.

This is the worst book that I have ever had.

۱- بعد از صفات عالی

This is the third time that I have met him.

۲- بعد از اعداد ترتیبی

۳- بعد از فاعل نامشخص مانند:

nobody – those – someone – somebody – everything – no one – a person – everyone – everybody

all – only – few – little – any – some – many – much – no – none.

۴- بعد از کلمات:

All that I have is yours.

I have some money that I don't know what to do.

* تذکر ۳: بعد از اعداد ترتیبی (the first / second) و (the last / only) و صفات عالی، مصدر با to می‌تواند جانشین یک عبارت موصولی (... + فعل + فاعل) + موصول) شود.

He was the first man who left the plane.

He was the first man to leave the plane.

نکات کلی:

A singer likes to choose his songs himself.

۱- وقتی فاعل جمله نامشخص است از ضمیر و صفت ملکی مذکر استفاده می‌کنیم:

۲- جملاتی که با ضمیر one شروع می‌شوند در انگلیسی رسمی با ضمیر one ادامه داده می‌شوند.

One must be able to understand what one reads.

۳- It در موارد زیر به کار می‌رود:

Where is my pen? It is on the table.

الف: بعنوان ضمیر فاعلی

Who is that boy over there? It is Ali.

ب: برای تعیین هویت و شناسایی به عنوان فاعل کاذب

It is 10 kilometers to Tehran.

ج: برای توصیف آب و هوا، زمان، مسافت و صفت

It is 5 o'clock.

It is cold today.

It is beautiful.

It's dangerous to walk in the street.

It's a long way from here to the airport.

It's windy.

It has been a long time since I last saw you.

What day is it today?

د - با فعل tobe در ساختار گرامری زیر برای تأکید به کار می‌رود.

عبارت موصولی + اسم + tobe + It

It is Ali who teaches English.

It was Ali and Reza who helped us.

It was Friday that they helped us.

۴- هرگاه بخواهیم بر وجود یا عدم وجود چیزی یا شخصی تأکید نماییم از واژه there استفاده می‌کنیم.

There was an accident last night.

There is a good movie on TV tonight.

I am hungry, but there isn't anything to eat.

۵- what , why , where , when به عنوان قیود ربط در موارد زیر به کار می‌روند.

الف - اگر مرجع به زمان دلالت کند و معنی زمانی که را بدهد از when و یا معادلهای آن استفاده می‌کنیم:

when = on which

when = at which

when = in which

The day when (on which) I met her.

The year when (in which) the war broke out.

ب - اگر مرجع به مکان دلالت کند و معنی جائیکه را بدهد از where و یا معادلهای آن استفاده می‌کنیم.

where = on which

where = in which

where = to which

where = at which

England is one of the few countries where (in which) people drive on the left.

ج - اگر مرجع به علت دلالت کند و معنی علتی که را بدهد از why و یا معادل آن (for which) استفاده می‌کنیم.

The reason why (for which) he is upset is unknown.

I gave her what she needed.

د - اگر مرجع به چیزی دلالت کند و معنی آنچه را بدهد از what استفاده می‌کنیم.

You should have told him to do.

📌 مثال ۹:

1) what

2) that

3) which

4) when

☑ پاسخ: گزینه «۱» زیرا اگر مرجع به چیزی دلالت نماید و معنی «آنچه یا آن کار» را بدهد از what استفاده می‌شود.



مدرسان شریف

فصل یازدهم

«جملات مرکب کوتاه (اجتناب از تکرار) – سؤال ضمیمه – کاربرد «s» و «'d»»

(ویژه دانشگاه آزاد)

جملات مرکب کوتاه (اجتناب از تکرار)

۱- ربط دو جمله مثبت: هرگاه بخواهیم دو عبارت مثبت و مشابه را به هم ربط دهیم از الگوهای زیر استفاده می‌نماییم.

$too + \text{ فعل کمکی مثبت} + \text{ فاعل جمله دوم}$ $so + \text{ فاعل جمله دوم} + \text{ فعل کمکی مثبت}$	$(and) + \text{ جمله اول (مثبت)}$
---	-----------------------------------

She lives in Tehran. I live in Tehran.

She lives in Tehran, and $\frac{I \text{ do too}}{so \text{ do I}}$.

He arrived home early. I arrived home early.

He arrived home early, and $\frac{I \text{ did too}}{so \text{ did I}}$.

He likes coffee, and do we.

☞ مثال ۱:

- 1) also 2) neither 3) so 4) too

☑ پاسخ: گزینه «۳» زیرا طبق فرمول چنانچه جمله اول مثبت باشد اجتناب از تکرار مثبت مد نظر است.

۲- ربط دو جمله منفی: هرگاه بخواهیم دو عبارت منفی و مشابه را به هم ربط دهیم از الگوهای زیر استفاده می‌نماییم.

$either + \text{ فعل کمکی منفی کوتاه شده} + \text{ فاعل جمله دوم}$ $nor/neither + \text{ فعل کمکی مثبت} + \text{ فاعل جمله دوم}$	$(and) + \text{ جمله اول (منفی)}$
---	-----------------------------------

I don't play football. Reza doesn't play football.

I don't play football, (and) $\frac{Reza \text{ doesn't either}}{nor / neither \text{ does Reza}}$.

Ali never eats meat. Amir never eats meat.

Ali never eats meat, and $\frac{Amir \text{ doesn't either}}{neither \text{ does Amir}}$.

Reza won't become interested in the book, and

☞ مثال ۲:

- 1) also parvin doesn't 2) Parvin won't either 3) parvin doesn't either 4) so will parvin

☑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا طبق فرمول چنانچه جمله اول منفی باشد اجتناب از تکرار منفی مدنظر است.

Have you finished your homework yet? "No, and"

☞ مثال ۳:

- 1) Mehdi has too 2) neither has Mehdi 3) neither Mehdi has 4) so hasn't Mehdi

☑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا از آنجا که پاسخ عبارت پرسشی منفی (No) است لذا اجتناب از تکرار منفی مدنظر است.

* تذکره: اگر در جمله اصلی یکی از قیود تکرار منفی مانند: never, seldom, rarely, scarcely, hardly, barely ever وجود داشته باشد به جمله مفهوم منفی می‌دهد و در این صورت اجتناب از تکرار منفی خواهد بود.

Amir never does his work badly,

☞ مثال ۴:

- 1) but Ahmad doesn't 2) nor does Ahmad 3) or Ahmad doesn't 4) so does Ahmad

☑ پاسخ: گزینه «۲» زیرا از آنجا که در جمله اول قید تکرار منفی (never) وجود دارد لذا جمله منفی محسوب می‌شود و اجتناب از تکرار منفی است.



* تذکر ۲:

۱- neither و nor از نظر معنی یکسان هستند، با این تفاوت که با nor کلمه and به کار نمی‌رود.

۲- اگر دو جمله از نظر مفهوم ضد و نقیض بوده و یا مثبت و منفی باشند برای اجتناب از تکرار از الگوهای زیر استفاده می‌کنیم از واژه but طبق الگوهای زیر استفاده می‌نماییم.

I went to school, but he didn't.

فعل منفی کوتاه شده + فاعل + but + جمله اول (مثبت)

He didn't go to school, but I did.

فعل کمکی مثبت + فاعل + but + جمله اول (منفی)

I went home, but he stayed at school.

جمله مثبت با مفهوم متضاد + but + جمله اول (مثبت)

Maryam is an engineer, parvin isn't.

کلمه مثال ۵:

- 1) but 2) neither 3) too 4) so

پاسخ: گزینه «۱» زیرا قید but یک عبارت مثبت را به عبارت منفی ربط می‌دهد.

* تذکر ۳: but با and به کار نمی‌رود.

سؤال ضمیمه

این سؤالات، جملاتی هستند که بعد از یک جمله خبری دیگر قرار می‌گیرند. هنگام بیان این سؤالات گوینده احساس می‌کند. گفته‌اش واقعی است و انتظار دارد که گفته‌اش مورد موافقت قرار گیرد.

Reza is from Iran, isn't he?

چنانچه جمله اول مثبت باشد سؤال ضمیمه آن می‌بایست منفی و در صورتیکه جمله اول منفی باشد سؤال ضمیمه می‌بایست مثبت باشد، چنانچه در جمله اول فعل کمکی وجود داشته باشد در سؤالی ضمیمه می‌بایست از آن فعل کمکی استفاده شود.

? ضمیر فاعلی + فعل کمکی مثبت مطابق با زمان جمله اصلی ، جمله اصلی منفی

He didn't go to London yesterday, did he?

Many candidates haven't taken the replacement test, they?

کلمه مثال ۶:

- 1) have 2) do 3) did 4) haven't

پاسخ: گزینه «۱» زیرا چنانچه جمله اول منفی باشد سؤال ضمیمه آن مثبت و زمان فعل کمکی در سؤال ضمیمه نیز متناسب با زمان جمله اول خواهد بود.

? ضمیر فاعلی + فعل کمکی منفی کوتاه شده مطابق با زمان جمله اصلی ، جمله اصلی مثبت

He went to London yesterday, didn't he?

You nearly missed the plane ?

کلمه مثال ۷:

- 1) didn't you 2) did you 3) do you 4) don't you

پاسخ: گزینه «۱» زیرا چنانچه جمله اول مثبت باشد سؤال ضمیمه آن منفی خواهد بود و از آنجا که زمان جمله اول گذشته است لذا در سؤال ضمیمه از فعل کمکی منفی آن زمان استفاده می‌کنیم.

You are going to stay here, ?

کلمه مثال ۸:

- 1) are you 2) aren't you 3) will you 4) won't you

پاسخ: گزینه «۲» زیرا چنانچه جمله اول مثبت باشد سؤال ضمیمه آن منفی و زمان فعل کمکی در سؤال ضمیمه نیز متناسب با زمان جمله اول خواهد بود.

Mehdi's bicycle cost a lot, ?

کلمه مثال ۹:

- 1) didn't it 2) did it 3) does it 4) doesn't it

پاسخ: گزینه «۱» زیرا جمله اول مثبت است و سؤال ضمیمه آن منفی خواهد بود.

نکته ۱: فعل cost جزء افعال بی‌قاعده بوده هر قسمت دوم و سوم آن cost می‌باشد و چنانچه اینگونه افعال بدون s سوم شخص با فاعل سوم شخص مفرد بکار رود زمان صحیح فعل یاد شده گذشته خواهد بود.

One of these girls works very hard, ?

کلمه مثال ۱۰:

- 1) aren't they 2) do they 3) don't they 4) doesn't she

پاسخ: گزینه «۴» زیرا چنانچه جمله اول مثبت باشد سؤال ضمیمه آن منفی خواهد بود. همچنین از آنجا که فاعل و فعل جمله اول هر دو مفرد می‌باشد (one of these girls) , (works) لذا در سؤال ضمیمه فعل و فاعل بصورت مفرد بیان می‌شود.

* تذکر: ۴

۱- سؤال ضمیمه I am به صورت I aren't بیان میشود ولی سؤال ضمیمه I am not خود I am می باشد.

۲- سؤال ضمیمه جملات امری (مثبت یا منفی) will you بیان می شود ولی برای تأکید یا تعارف و پیشنهاد از Won't you هم استفاده می شود.

Turn on the T.V, will you?

Don't turn on the T.V, will you?

Be careful when you cross the road, won't you?

۳- اگر جمله قید منفی داشته باشد سؤال ضمیمه مثبت خواهد بود.
قیود منفی عبارتند از : little-few-seldom-never-hardly و ...

Parvin never reads stories, ?

کج مثال ۱۱:

1) does Parvin

2) does she

3) doesn't Parvin

4) doesn't she

پاسخ: گزینه «۲» زیرا در جمله اول قید تکرار منفی (never) وجود دارد و به جمله مفهوم منفی می دهد در این صورت سؤال ضمیمه مثبت خواهد بود.

۴- اگر جمله ای با there شروع شده باشد در سؤال ضمیمه به جای ضمیر فاعلی از خود کلمه there استفاده می شود.

There were a lot of players in the playground at 8 o'clock , ?

کج مثال ۱۲:

1) were there

2) weren't there

3) were they

4) weren't they

گزینه «۲» زیرا اگر جمله ای با there شروع شود در سؤال ضمیمه به جای ضمیر فاعلی از خود there استفاده می شود.

* تذکر: ۵: هنگامی که بخواهیم بر وجود چیزی یا شخصی تأکید نماییم از عبارت there is یا there are بر حسب مفرد یا جمع بودن فاعل جمله که بعد از این عبارات واقع می شود ، استفاده می نماییم.

There is a book on the table, isn't there?

۵- سؤال ضمیمه جملاتی که با فاعل نامشخص (nobody, somebody, everybody, everyone ...) شروع می شوند دارای فاعل و فعل جمع است.

Everybody likes ice cream, don't they?

Nobody knew you, did they?

Everybody wants to find a job, ?

کج مثال ۱۳:

1) do they

2) doesn't everybody

3) don't they

4) doesn't he

پاسخ: گزینه «۳» زیرا سؤال ضمیمه جملاتی که با فاعل نامشخص مانند everybody شروع شده باشد دارای فاعل و فعل جمع خواهد بود.

ع

فاعل جمع + فعل جمع , ... + فعل + اسم قابل شمارش جمع یا ضمیر جمع + None of

None of us like ice cream, do we?

۷-

فاعل مفرد + فعل مفرد , ... + فعل + اسم غیر قابل شمارش + None of

None of ice - cream was eaten, was it?

۸- جملاتی که دارای قید only هستند در سؤال ضمیمه هم فعل مثبت و هم فعل منفی می توانند داشته باشند.

There are only five students absent , aren't there?
are there?

۹- سؤال ضمیمه used to دارای فعل کمکی didn't است.

It must be the 20 th, isn't it?

۱۰- سؤال ضمیمه must be (لابد) به صورت (ضمیر فاعلی + isn't) بیان می شود.

I don't like icecream, do you?

۱۱- گاهی ممکن است گوینده نظر خود را بیان کرده و نظر شنونده را بخواهد.

۱۲- فاعل سؤال ضمیمه جملاتی که با nowhere, nothing, this, that شروع میشوند می باشد.

۱۳- سؤال ضمیمه جملاتی که دارای پایه و پیرو می باشند و یا با عباراتی مانند I believe, I think و ... شروع شوند همیشه با مفهوم جمله پایه

If he comes, you'll be happy, won't you?

مطابقت می کند.

You could tell the truth as soon as you were asked, you?

کج مثال ۱۴:

1) did

2) didn't

3) could

4) couldn't

پاسخ: گزینه «۴» زیرا سؤال ضمیمه جملاتی که دارای پایه و پیرو هستند (جمله مرکب) با مفهوم جمله اصلی (پایه) مطابقت می کند.

You will see a doctor if you don't feel well, you?

کج مثال ۱۵:

1) had

2) won't

3) would

4) wouldn't

پاسخ: گزینه «۲» زیرا سؤال ضمیمه جملاتی که دارای پایه و پیرو هستند (جمله مرکب) با مفهوم جمله اصلی (پایه) مطابقت می کند.

They may come next week, mightn't they?

۱۴- سؤال ضمیمه may به طور کلی mightn't است.



کاربرد «s» در نقش is و has و «d» در نقش had و would و طرز تشخیص آنها در مبحث اجتناب از تکرار و سؤال ضمیمه

* «s» در نقش is :

- صفت + (قید) + is + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow صفت + (قید) + 's + فاعل سوم شخص مفرد
 : He's never happy = He is never happy
- عبارت اسمی + is + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow عبارت اسمی + 's + فاعل سوم شخص مفرد
 : He's a good boy = He is a good boy.
- اسم مصدر + is + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow اسم مصدر + 's + فاعل سوم شخص مفرد
 : Ali's coming = Ali is coming
- (مجهول در زمان حال ساده) is + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow 's + p.p + فاعل سوم شخص مفرد
 : It's done by him = It is done by him.
- (مجهول در زمان حال استمراری) is + being + pp + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow 's + being + p.p + فاعل سوم شخص مفرد
 : She's being taken to school. = She is being taken to school.
- * Here's \Rightarrow Here is
 * There's \Rightarrow There is
- is + کلمه استفهام \Rightarrow 's + کلمه استفهام
 : Who's speaking on the phone ? = Who is speaking on the phone ?
- is + ضمیر (اشاره) \Rightarrow 's + ضمیر (اشاره)
 : It's my book = It is my book.
- عبارت اسمی / ضمیر ملکی + is \Rightarrow It is + عبارت اسمی / ضمیر ملکی
 : It's mine = It is mine

* «s» در نقش has :

- (حال کامل) has + p.p + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow 's + p.p + فاعل سوم شخص مفرد
 : He's gone out = He has gone out
- (حال کامل) has + been + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow 's + been + فاعل سوم شخص مفرد
 : He's been here for a day = He has been here for a day
- (حال کامل استمراری) اسم مصدر + has + been + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow 's + been + اسم مصدر + فاعل سوم شخص مفرد
 : He's been playing for an hour = He has been playing for an hour.
- (مجهول در زمان حال کامل) has + been + p.p + فاعل سوم شخص مفرد \Rightarrow 's + been + p.p + فاعل سوم شخص مفرد
 : He's been given something = He has been given something.

* «d» در نقش had :

- had + better + فاعل \Rightarrow 'd + better + فاعل
 : You'd better go out = You had better go out
- (ماضی بعید) had + p.p + فاعل \Rightarrow 'd + p.p + فاعل
 : He'd gone out = He had gone out
- (بعید استمراری) اسم مصدر + had + been + فاعل \Rightarrow 'd + been + اسم مصدر + فاعل
 : He'd been playing = He had been playing
- (مجهول در ماضی بعید) had + been + p.p + فاعل \Rightarrow 'd + been + p.p + فاعل
 : He'd been sent a card = He had been sent a card.

* «d» در نقش would :

- would + rather + فاعل \Rightarrow 'd + rather + فاعل
 : I'd rather sleep than go out = I would rather sleep than go out.
- would + فعل + فاعل \Rightarrow 'd + فعل + فاعل
 : I'd tell you the truth = I would tell you the truth.
- (آینده در گذشته کامل) would + have + p.p + فاعل \Rightarrow 'd + have + p.p + فاعل
 : I'd have called = I would have called.
- (آینده در گذشته کامل استمراری) اسم مصدر + would + have + been + فاعل \Rightarrow 'd + have + been + اسم مصدر + فاعل
 : I'd have been playing = I would have been playing
- (مجهول در آینده در گذشته کامل) would + have + been + p.p + فاعل \Rightarrow 'd + have + been + p.p + فاعل
 : You'd have been told = You would have been told



مدرسان شریف

فصل شانزدهم

«حروف اضافه - افعال دو کلمه‌ای»

(ویژه دانشگاه آزاد)

حروف اضافه

on: برای قرار گرفتن روی سطحی

روی میز on the table

روی دیوار on the wall

* تذکره: متضاد off, on می‌باشد.

on + the + plane, ship, plane, bicycle, horse

او پیاده شد. He got off the bus.

او سوار اتوبوس شد. He got on the bus.

on top of

برای قرار گرفتن روی بالاترین نقطه چیزی می‌باشد.

in Tehran / in Iran

in the street در خیابان

in the building درون ساختمان

in the drawer درون کشو

In: برای قرار گرفتن در داخل فضای ۳ بعدی (به معنای inside) یعنی درون، داخل - در.

At: به معنای «در» برای قرار گرفتن در یک موقعیت:

at the bus stop در ایستگاه اتوبوس

at the next بعدی

at the center of the earth. مرکز زمین

(توجه کنید at قرار گرفتن کلی در یک موقعیت را بیان می‌کند و مانند in مشخص نیست).

- در بیان آدرس وقتی پلاک ذکر می‌شود:

She lives at 73 Hafez street.

نکته ۱: برای رسیدن و توقف در جای بزرگ (شهر و کشور) in و جای کوچک at به کار می‌بریم.

او وارد یک روستا شد. She arrived at a village.

او وارد تهران شد. She arrived in Tehran.

نکته ۲: به دو مثال زیر دقت کنید:

We were at the theater (watching a play)

ما، در تئاتر بودیم (مشغول تماشا)

It was cold in the theatre (= inside ...)

داخل تئاتر سرد بود.

همانطور که در مثالهای قبل می‌بینید، قبل از یک مکان اگر راجع به کاری صحبت کنیم که عموماً در آنجا صورت می‌گیرد (مانند تماشای نمایش در تئاتر) at به کار می‌بریم و اگر از قرار گرفتن در داخل آن صحبت کنیم in به کار خواهیم برد.

نکته ۳: تفاوت into با in در این است که in حالت ساکن دارد و into با فعل حرکتی به کار می‌رود.

نکته ۴: out متضاد in و out of متضاد in to می‌باشد.

through به معنای از میان (فضائی عبور کردن) و یا از طریق.

تفاوت through با across

across نیز مانند through حرکت را می‌رساند، اما تفاوت این دو مانند تفاوت on و in می‌باشد.

across بیشتر به معنای عبور از سطحی ولی through به معنای عبور از میان می‌باشد.

throughout به معنای در (به) هر بخشی از می‌باشد.

چند اصطلاح و کاربرد لازم:

at least حداقل

at home / school / work

At پشت میز نشستن sit at a desk / table

at the front جلو - خط مقدم

at the back پشت

at present / at first



on (at) the corner : برای تقاطع گوشه بیرون :
 on the pavement (sidewalk) : در پیاده رو :
 on television, (the) radio : از رادیو - تلویزیون :
 on the other hand : از طرف دیگر :
 on foot : پیاده
 on the basis of : بر اساس :

on the sixth floor : در طبقه ششم :
 on the right / left : چپ / راست :
 on the telephone : تلفنی :
 on sale : فروشی :

In

in the army / air force / navy : در ارتش ، نیروی هوایی / دریایی :
 get in touch with : تماس گرفتن با :
 in front of : روبرو :

in the middle : در وسط :
 in a row : در صف :
 in the corner : برای گوشه فضای بسته :

حروف اضافه مکان و جهت

They always go (by - past) the post office.

below zero : زیر صفر :

by and past به معنای از کنار یا کنار می باشند.
 over به معنای در بالای (بدون تماس) و یا به عبارتی معنای "مستقیم روی" می باشد.
 over به معنای بیشتر از (more than) نیز می باشد.
 above به معنای «بالای» می باشد (اما لزوماً مستقیم بالای چیزی نیست).
 below یعنی پایین تر
 under به معنای مستقیم زیر می باشد.
 under less than به معنی
 underneath به معنای in a lower position یعنی در مکانی پایین تر و معمولاً پوشیده و زیر چیزی است.
 beneath نیز معنای شبیه underneath دارد ، اما گاهی به معنای "بسیار نازلتر از" نیز می باشد.

نکته ۵:

above see level : بالاتر از سطح دریا : above average : بالاتر از حد متوسط : above zero : بالای صفر درجه :

حروف اضافه زمان**At**

at six o'clock

۱- با وقت دقیق به کار می رود. مانند :

at night در شب at midnight در نیمه شب at dawn در سحر at noon ظهر at sunset غروب

۲- برای بیان سن خاصی

at sixteen or at the age of sixteen.

در سن ۱۶ سالگی (در ۱۶ سالگی)

at christmas, at easter.

۳- با جشنها و فستیوالهای خاص سالانه

(اگر روز ذکر شود همان طور که بعداً خواهیم دید on به کار می بریم مانند on Christmas day روز کریسمس.)

چند اصطلاح لازم :

ابتدا at first - (immediately) فوراً at once - گاهی (occasionally) at times

دست آخر at the end سرانجام at last در حال حاضر at present - at the same time

On

on monday / on June 4th

۱- با روز و تاریخ مشخص

on Christmas day

on the { morning
 afternoon
 evening
 night } + of + معین تاریخ

چند اصطلاح مهم :

دقیقاً سر وقت : on time (punctual)

از طرف دیگر : on the other hand

In ۱- عمدتاً با طول دوره و دوره های طولانی تر به کار می رود.

در صبح : in the morning

در بعدازظهر : in the afternoon

در سال ۱۳۶۰ : in 1360

در طول تاریخ : in the history

در گذشته : in the past

گاهگاهی : once in a while

در این میان ، در عین حال : in the meantime (in the meanwhile)

کلاً : on the whole

فروشی : on sale

در عصر : in the evening

در مهرماه : in Mehr

در قرن نوزدهم : in the nineteenth

زود سر وقت : in time (not late - early enough)

در آینده : in the future

خیلی زود (in a very short time) : in no time at all

مبادا - اگر (if ... might) : in case

The examinations begin January.

مثال ۱:

- 1) at 2) on 3) in 4) with

پاسخ: گزینه «۳» زیرا حرف اضافه in جهت ماه به کار می‌رود.
معنی عبارت (امتحانات در ماه ژانویه آغاز می‌شود).

Don't worry! I'll be back an hour.

مثال ۲:

- 1) at 2) by 3) in 4) for

پاسخ: گزینه «۳» زیرا حرف اضافه in به معنی «تا - ظرف» قبل از طول مدت برای آینده می‌آید.
«before - during - after»

before به معنای قبل از و after به معنای بعد از می‌باشد. during به معنای در خلال ، در طی است، بعد از after و before به عنوان حرف اضافه، اسم یا اسم مصدر قرار می‌گیرد.

لطفاً بلافاصله بعد از غذا (غذا خوردن) دوش نگیرید.

Don't bathe immediately after $\frac{\text{meal}}{\text{eating}}$.

I'm always out at work during the day.

اگر نخواهیم اسم را ذکر کنیم به جای after از afterwards به معنای از آن به بعد استفاده کنیم.

Don't have a meal and bath immediately afterwards.

Soon afterwards we got a letter.

afterwards می‌تواند در اول جمله هم به کار رود.

«till - until - by»

My mother is staying with us till / until friday.

(= from now to friday)
from ... to / till / until

مادرم تا جمعه پیش ماست.
یعنی دقیقاً تا زمان معینی مانند آخر هفته ولی بعد از آن دیگر نه
هر سه برای زمان به کار می‌روند (از ... تا ...)

I meet him time to time.

مثال ۳:

- 1) over 2) from 3) after 4) of

پاسخ: گزینه «۲» زیرا ترکیب حرف اضافه from با عبارت قیدی time to time به معنی «گاه‌گاهی» بوده و در زمان حال ساده کاربرد دارد.

The sale was from december 28 th to January 3rd.

فروش از بیست و هشتم دسامبر تا سوم ژانویه بود.

The shop is open from nine till five thirty.

مغازه از ساعت ۹ تا ۵/۵ باز است.

It will be closed from tomorrow until next Tuesday.

آن از فردا تا سه شنبه بعد بسته خواهد بود.

نکته ۶: برای مکان (از جایی تا جای دیگر) فقط to ... from به کار می‌رود.

حروف اضافه وسایل Means

by means of a small boat

به وسیله یک قایق کوچک

means of transportation and communication

(به جز وسائط حمل و نقل و ارتباط جمعی)

وسائط حمل و نقل و ارتباط جمعی

اسم + پیش اسم + with

اسم + ing + فعل + by

The thief opened the door with a key. He got in by using a key.

دزد درب را با یک کلید باز کرد. او با استفاده از یک کلید وارد شد.

by + { bus : با اتوبوس
plane : با هواپیما
helicopter : با هلی کوپتر
train : با قطار
car : با ماشین

اما اگر قبل از وسائط حمل و نقل پیش اسمی مانند the و my ... باشد:

in + { my
your car
Ali's

on the { bus
plane
train

on foot به معنای پیاده می‌باشد.



نکته ۷: برای سوار شدن - وسیله نقلیه شخصی یا عمومی از **get into** استفاده می‌کنیم.

(یا سوار شدن به وسایل نقلیه مفرد **get in**)

و برای پیاده شدن **get out** یا **get out of** به کار می‌بریم.

برای سوار شدن به وسیله نقلیه عمومی **get on / on to** و برای پیاده شدن **get off** به کار می‌بریم.

سوار قایق شدن: **go on board a boat**

by telegram (به وسیله تلگرام)

برای وسایل ارتباط جمعی **by** به کار می‌بریم:

در توصیف **with** به معنای "دارای" می‌باشد.

Police are looking for a tall man with dark hair.

پلیس در جستجوی مردی بلند قد با موهای مشکی (تیره) می‌باشد.

She had a red dress on.

as - like

۱- معمولاً بعد از **as** جمله و به دنبال **like** اسم یا ضمیر قرار می‌گیرد، در این کاربرد **as** عمدتاً معنی همانگونه (حرف اضافه نیست) و **like** به معنای شبیه، مانند و مثل می‌باشد.

He works hard as I do / like me.

As I was saying when you came in.

we need someone like Ali for this job.

۲- **as** معمولاً شغل و حرفه (بعنوان، در پست) و یا بخشی از یک نمایشنامه به عنوان هنرپیشه را می‌رساند. اما **like** فقط شباهت را بیان می‌کند.

He works as an engineer, (he is an engineer)

She was wonderful as Cleopatra.

He climbs the trees like a monkey.

for instance , for example به معنای مانند، از قبیل می‌باشد.

نکته ۸:

۱- حروف اضافه موضوعات و عناوین (**about , on - of**)

a story about a boy : داستانی درباره یک پسر

a book about cats : کتابی در مورد گربه‌ها

You seem quite hopeful your success.

مثال ۴:

1) about

2) to

3) for

4) over

پاسخ: گزینه «۱» زیرا **about** حرف اضافه واژه **hopeful** به معنی «امیدوار به» است.

یک سخنرانی درباره خاور میانه : a lecture on middle east مجموعه ای از عکسها : a collection of photographs

* تذکر ۲: **on** رسمی‌تر می‌باشد و بیشتر با صحبت‌ها، سخنرانی و نوشته (به معنای درباره) به کار می‌رود.

a book on problem in society : کتابی درباره مسائل جامعه

a talk on the uses of mathematics : گفتگویی درباره کاربردهای ریاضی

a lecture on causes of inflation : سخنرانی در مورد علل تورم

What are they going to use their money ?

مثال ۵:

1) at

2) in

3) on

4) to

پاسخ: گزینه «۳» زیرا حرف اضافه **on** همراه فعل **use** به معنی «هزینه چیزی کردن» می‌باشد.

about بیشتر در حالت‌هایی به کار می‌رود که جنبه رسمی کمتری دارند.

of به معنای شامل (دربرگیرنده) می‌باشد.

No one is in charge the library at night.

مثال ۶:

1) in

2) of

3) on

4) with

پاسخ: گزینه «۱» زیرا **in charge of** به معنی «مسئول» می‌باشد.

a book of poems : کتاب شعر

a series of articles : مجموعه مقالات

made of: ساخته شده از ماده‌ای بدون تغییر ماهیت:

a bottle is made of glass. (هنوز شیشه است).

made from: ساخته شده از ماده‌ای (موادی) با تغییر ماهیت:

Glass is made from sand.

شیشه از سنگ شیشه ساخته شده ولی دیگر قابل تبدیل به سنگ نیست.

made in : ساخته شده در کشوری

made by : ساخته شده به وسیله شرکتی

made into , **(go into)** به معنای به کار رفتن و تبدیل شدن به هستند.

آنها تبدیل به چیز دیگری می‌شوند.

They are made into something else.

It goes into soap

آن در صابون به کار می‌رود.

۴- حرف اضافه for برای قصد و نیت بکار می‌رود.

“What’s the money on the table for? It’s for the telephone bill.
Who’s the letter for? It’s for Mary, not for you.

What did you have lunch?

کلمه مثال ۷ :

- 1) by 2) for 3) in 4) on

✓ پاسخ: گزینه «۲» حرف اضافه for به معنی «برای» می‌باشد. معنی عبارت (نهار چه خوردید؟) ۵- حرف اضافه because برای انگیزه ، علت و یا دلیل بکار می‌رود.

because of + اسم (به خاطر)

I couldn't sleep because of the noise.
on account of = بدلیل - خاطر (رسمی تر است) به خاطر
owing to = در نتیجه

۶- حرف اضافه with برای دارا بودن و توصیف فیزیکی بکار می‌رود.

a red haired girl = a girl with red hair.

دختری با موهای قرمز

a friend of mine : یکی از دوستانم

a slice of bread : یک تکه نان

a kilo of sugar : یک کیلو شکر

a man of courage : مرد شجاع

the cost of living : هزینه زندگی

the price of freedom : بهای آزادی

without فقدان (نبود) را می‌رسانند.

۷- برای نشان دادن فاعل، راهها و وسایل می‌توان by , through , with , without به کار برد.

فاعل + by در جملات مجهول در انتهای جمله واقع می‌شود.

by به معنای “با” از طریق”

by playing با بازی کردن

through به معنای از طریق ، به خاطر و یا در نتیجه.

چند اصطلاح و کاربرد مهم:

in ink

on a paper

in the sky

on T.V

on (the) radio

There was a good film T.V last night.

کلمه مثال ۸ :

- 1) at 2) by 3) in 4) on

✓ پاسخ: گزینه «۴» زیرا حرف اضافه on با کلمه T.V بکار می‌رود.

۸- همراهی و مشارکت :

with به معنای همراه با

In به معنای مشارکت در یک حادثه ، واقعه ...

act in a play : در تئاتر بازی کردن

play in concert : (در یک کنسرت اجراء کردن)

be involved in : مشمول شدن

be injured in an accident : (در حادثه ای مجروح شد)

در مشاجره ای شرکت کردن : speak in a debate

۹- between برای بین دونفر یا دو جهت به کار می‌رود، among برای بیش از ۲ شخص یا دو جهت بکار می‌رود.

۱۰- along with نیز همراهی را می‌رساند. (به طور همزمان).

۱۱-

by + the + واحد سنجش

by the meter متری

by the kilo کیلوئی

افعال دو کلمه‌ای

* افعال جداشدنی: افعالی هستند که از دو جزء اصلی و جزء حروف اضافه تشکیل شده و قابلیت جدا شدن از یکدیگر را ، هنگامی که مفعول وجود داشته باشد دارند.

تذکر ۳: چنانچه مفعول عبارت اسم باشد می‌تواند هم مابین دو جزء و هم بعد از حرف اضافه واقع شود.

I turned off the T.V.

I turned the T.V off.

I turned it off.

ولی چنانچه مفعول عبارت ضمیر مفعولی باشد حتماً بین دو جزء واقع می‌شود.

افعال جداشدنی: افعالی هستند که از دو جزء اصلی و جزء حروف اضافه تشکیل شده و مفهوم یک اصطلاح را بیان می‌نماید و قابلیت جدا شدن از یکدیگر را ندارند.

I looked for my pen every where.